

عبدالملك بن اعين
فصلنامه تاريخ اسلام - شماره 9 - بهار 81

محمد اصغر نژاد (*)

یکی از فرهیختگان سده دوم هجری عبدالملك بن اعين، برادر زراره بن اعين، راوی معروف است. متأسفانه با آن که تعریف‌ها و توصیفات ارزنده‌ای از وی در لسان شریف امام صادق(ع) و اندیشمندان شیعه و سنی شده، ولی چهره وی بر برخی از رجالیون پوشیده مانده است. هرچند مقاله حاضر بحثی رجالی نیست اما تا اندازه‌ای زوایای گوناگون زندگی عبدالملك را بررسی نموده و به علل تضعیف وی از سوی پاره‌ای رجالیون اهل سنت اشاره کرده و به گونه‌ای نسبتاً مفصل درباره خاندان(اعين سخن می‌گوید.

واژه‌های کلیدی: اعين، عبدالملك، امام باقر(ع)، امام صادق(ع)، اصحاب.

عبدالملك، برادر زراره، راوی معروف، از جمله اصحاب بزرگ حضرت صادق(ع) و از دودمان اعين بود. برای شناخت عبدالملك لازم است اندکی درباره این خاندان معروف سخن بگوییم:

ویژگی‌ها:

آل اعين بزرگ‌ترین خاندان علمی شیعی در شهر کوفه بود. بسیاری از افراد این (خاندان) از اصحاب ائمه و راویان بزرگ و فقها بوده‌اند و کم‌تر شخصیتی از آنان است که ناقل حدیث نباشد. راویان اعين بالغ بر شصت تن بوده‌اند. (1) علامه بحر العلوم با ذکر این نکته که مدایح آل اعين فراوان است، در وجه تمایز آنان با دیگر خاندان‌های کوفه خصایص ذیل را عنوان کرده است:

1. بزرگ‌ترین خاندان شیعی؛
 2. عظیم‌الشان‌ترین آن‌ها؛
 3. عالم‌ترین خاندان به طوری که در میان شان محدث و فقیه و ادیب و قاری فراوان بوده است؛
 4. دیرپاترین آن‌ها، چه نخستین افراد این طایفه در عصر حضرت سجاد(ع) و آخرین شان در اوایل غیبت صغرا می‌زیسته‌اند. (2)
- آل اعين علاوه بر ربودن گوی سبقت در میادین دانش، در جنبه‌های سیاسی نیز فعالیت داشتند، به طوری که قرائن نشان می‌دهد خواب خوش را از چشمان حکام اموی و عباسی ربودند. حجاج بن یوسف ثقفی، وقتی برای زمامداری به عراق آمد، نگرانی خود را از این دودمان ابراز نمود:
- ((با وجود يك مرد از آل اعين، حکومت برای ما هموار نمی‌شود.)) (3)

نژاد آل اعين

در این که این خاندان از چه نژادی است، اختلاف وجود دارد. برخی می‌گویند: جد آنان یعنی سنسن از قبیله غسان از نژاد عرب بود، که در صدر اسلام به روم رفت و در آن جا در مسلک راهبان درآمد. سنسن فرزندی به نام اعين داشت. ظاهراً در جنگی که میان روم و مسلمانان

صورت گرفت، اعین توسط مسلمانان اسیر شد، آن گاه يك نفر از قبیله بنی شیبیان او را خریداری کرد، سپس تربیت و فرزندخوانده اش نمود. پس از مدتی اعین در سایه تربیت پدرخوانده اش قرآن را حفظ کرد و در ادبیات عرب چیره دست شد. روزی پدرخوانده به او گفت: آیا می خواهی از نظر نژادی تو را به قبیله خودم ملحق سازم؟ اعین نپذیرفت. زمانی که اعین بزرگ شد، سنسن از روم آمد و ملاقاتش کرد. (4)

جمعی گویند: سنسن در اصل رومی بود. وقتی اعین اسیر شد و سنسن از جایگاهش اطلاع پیدا کرد، با گرفتن اجازه و امان نامه از مسلمانان چند بار به دیدار فرزندش شتافت. (5) عده ای با توجه به گزارشی گویند که اعین از مردم خطه فارس بود. پس از دیدار امیرالمومنین (ع) به دست حضرت اسلام آورد. میان راه با گروهی از بنی شیبیان برخورد کرد. آنان پس از گرفتن پیمان ((ولا)) (6) او را آزاد کردند.

اسامی خاندان

بر کسانی که از نسل اعین یا به عرصه وجود نهاده بودند، اسامی ذیل اطلاق گردیده است:

1. آل اعین.
 2. شیبیانی. (7)
- به سبب ارتباطی که میان اعین و قبیله بنی شیبیان ایجاد شد، او و خاندانش به این قبیله منسوب شدند.
3. زراری.
- زراری یعنی منسوب به زاره بن اعین. نخستین بار این نسبت در کلام امام هادی (ع) خطاب به یکی از نوادگان بکیرین اعین به نام محمد بن سلیمان یا پدرش سلیمان بن حسن بن جهم بن بکیر، جد پدری ابوغالب دیده شد. امام به منظور حفظ جان او و رعایت تقیه، نام اصلیش را نبرد و او را به زاره، عالم ترین شخصیت آل اعین منسوب ساخت تا تجلیلی از مقام شامخ زاره شده باشد. امام در این باره فرمود: زراری را خدا حفظ کند. از آن لحظه بر افراد این خاندان، زراری اطلاق گردید. (8)
4. بکریون
- پیش از آن که عنوان زراری بر آل اعین اطلاق گردد، به بکریون مشهور بودند. (9)

فرزندان اعین

در تعداد فرزندان اعین اتفاق نظر وجود ندارد. برخی آنان را هشت تن بدین اسامی می دانند: عبدالملک، حمران، زاره، بکیر، عبدالرحمان، قعنب، مالک و ملیک. (10) بعضی به جای دو نفر آخر، عبدالاعلی، عیسی، ضریس و سمیع را ذکر کرده اند. (11) عده ای به جای عیسی و عبدالاعلی، موسی و ملیک را ذکر نموده اند. (12) اقوال دیگر، بین 12، (13) 16، (14) و 17 (15) است. برخی در زمره فرزندان، دختری به نام ((ام الاسود)) را یاد کرده اند. (16)

فضیلت های عبدالملک نخستین شیعه آل اعین

قبلا گفتیم مسلم است سنسن، جد عبدالملک راهب مسیحی بود. طبیعی بود اعین نیز مسیحی باشد. بر اثر جنگی که میان مسلمانان و روم رخ داد، اعین توسط مسلمانان اسیر شد. سپس يك نفر از قبیله بنی شیبان او را خرید و توسط او مسلمان شد. علامه شیخ محمد تستری گفته است اعین سنی بود و به تبع او، فرزندان سنی بوده اند، سپس جمعی از آنان شیعه شدند. (17)

بنابراین می توان به نادرستی خبر علی بن سلیمان، عموی پدری ابوغالب زراری مبنی بر این که اعین از مردم خطه فارس بود که به قصد زیارت امیرالمومنین(ع) و مسلمان شدن توسط او وطنش را ترك کرد، (18) پی برد.

احتمال دیگر این است که اعین در آغاز شیعه و جزو دوستان امیرالمومنین(ع) بود، ولی بعدا به واسطه فضای خفقان آلودی که خلفا به وجود آوردند، جزو کسانی شد که به حضرت پشت کرد و مذهب خود را عوض نمود. وقتی ازدواج کرد و دارای اولاد شد، آنان نیز به مسلک اهل تسنن گرایش پیدا کردند، ولی وقتی به رشد کافی رسیدند، بسیاری از آنان حقیقت را دریافتند و در مسلک دوستان و شیعیان امیرالمومنین(ع) درآمدند.

طبق برخی اخبار، نخستین شیعه آل اعین، عبدالملک بود. او توسط صالح بن میثم رهنمون گشت، سپس برادرش حمران به دست ابوخالد کابلی در این سلک درآمد. طبق گزارشی دیگر، نخستین فرزند اعین که پیرو آل علی علیهم السلام شد، ام الاسود، خواهر عبدالملک بود. گویند ابوخالد کابلی در این اقدام موثر بود. (19)

اکنون شایسته است به ویژگی های عبدالملک بپردازیم:

جایگاه عبدالملک نزد امام صادق(ع)

برادر عبدالملک به نام زراره که از فقهای طراز اول شیعه در قرن دوم و سوم هجری بود گوید: امام صادق(ع) بعد از مرگ عبدالملک فرمود: ((خداوندا! ما اهل بیت در نظر ابوضریس بهترین خلق تو بودیم. پس او را در روز قیامت در زمره محمد - که صلوات تو به او باد - قرار ده!)) سپس امام فرمود: آیا او را در خواب دیده ای؟ عرض کردم: خیر.

امام فرمود: سبحان الله! مثل ابوضریس کجاست؛ مانند او هنوز به دنیا نیامده است! (20)

علامه مامقانی، رجالی قرن چهارده پس از نقل روایت فوق و بررسی روایات مختلف و کنکاش در گفت وگویی علما درباره عبدالملک گوید:

((از دعای فراوان امام صادق(ع) در حق وی و فرستادن رحمت بر او و درخواست از خداوند مبنی بر قرار دادن عبدالملک در زمره آل محمد(ص) در روز قیامت و این که فرمود: ((مثل ابوضریس هنوز به دنیا نیامده است))، استفاده می کنیم عبدالملک فردی موثق بود، بلکه در اعلا درجه وثاقت بود، زیرا صدور چنین مدایح و واکنش هایی توسط امام در حق کسی که عادل و موثق و امین نیست، نامعقول می باشد، زیرا ائمه اطهار علیهم السلام اهل مبالغه و مغالطه نبودند. مقصود امام از این که به طور مطلق فرمود: مثل عبدالملک هنوز زاده نشده است، مماثلت و مشابهت در ورع و تقوا و دیانت و صلاح است که مورد نظر خدا و رسول و ائمه و دیگر بندگان برگزیده الهی است. اگر امام(ع) مشابهت خاصی را در نظر داشت، حتما تصریح می کرد و وجه شباهت را بیان می فرمود. این مطلب بر کسانی که دارای ذوق و سلیقه درست و مستقیم هستند و لسان اهل بیت رحمت را می فهمند، پوشیده نیست.

اگر به این سخنان، شهادت علمای بزرگ مبنی بر مستقیم و پایدار بودن عبدالملک در دین و مذهب، و گواهی امام باقر(ع) را که ((عبدالملک از نجات یافتگان و سرپرست مردم و خزانه داران در وقت ظهور امام زمان(ع) است)) اضافه کنیم، تردیدی باقی نمی ماند که او را در شمار شخصیت های عادل و موثق عنوان کنیم.)) (21)

صحابی خاص امام باقر(ع) و امام صادق(ع)

تا شخصیت کسی مورد قبول ائمه(ع) نبود، با او ارتباط نزدیک برقرار نمی کردند و با وی درباره موضوعات و مسائل مهم عقیدتی یا سیاسی سخن نمی گفتند و اسرار ولایت را مطرح نمی کردند. اگر از روایات، دلایل و قراینی بر ارتباط تنگاتنگ میان راوی و امام وجود داشته باشد، و نیز با دقت در مطالب و اسراری که امام با او در میان گذارده، می توان به شخصیت و عظمت راوی پی برد؛ هر چند به طور صریح از او تعریف و تمجیدی در کتب رجال و نگاشته های تذکره نویسان یافت نشود. قراینی وجود دارد که عبدالملک از یاران خاص امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود و ایشان اعتماد زیادی بدو داشتند و در مورد مسائل مهم با او به گفت و گو می نشستند.

در روایتی آمده است عبدالملک پرسش های زیادی از امام صادق(ع) نمود که می توان فهمید پاره ای از سئوالات وی مربوط به امامت بوده، و این نمایانگر اعتماد امام به اوست و جایگاه وی را نزد حضرت می نمایاند. در این روایت از گمراهی اصحاب پس از وفات پیامبر(ص) صحبت شده است. تصریح به چنین موضوعی در عصر اختناق، از سخنان غیر قابل بخشش بود و کیفر سختی داشت. حارث بن مغیره گزارشگر مورد نظر گوید: عبدالملک بن اعین که در حال گفت و گو با امام صادق(ع) بود، پرسش های زیادی کرد تا آن که گفت: بنابراین همه مردم هلاک شدند؟

امام فرمود: ((آری؛ به خدا سوگند، ای پسر اعین همه مردم هلاک شدند.))

عبدالملک پرسید: ساکنان مشرق و مغرب زمین؟

امام فرمود: ((شرق و غرب به گمراهی فتح شد.)) (22) آری، به خدا قسم! همگی مردم هلاک گشتند جز سه تن: سلمان فارسی و ابوذر و مقداد. بعد عمار و ابوساسان انصاری و حذیفه و ابوعمره بدان ها ملحق و در مجموع هفت تن شدند. (23)

شاهد بعدی خبر ذیل است که امام باقر(ع) تعدادی از آثار امیرالمومنین(ع) را که از علوم مخفی و اسرار اهل بیت(ع) به شمار می آید، به عبدالملک نشان می دهد و نظر او را درباره علت نوشتن آن ها سئوال می کند. عبدالملک با درایت و بینش، پاسخ را تقدیم می کند: عبدالملک گوید: زمانی امام باقر(ع) تعدادی از کتاب های علی(ع) را به من نشان داد.

سپس فرمود: ((به چه دلیلی او این ها را نگاشته است؟))

عرض کردم: آیا عقیده ام را در این باره بیان کنم؟

امام فرمود: ((آری.))

عرض کردم: حضرت می دانست قائم شما روزی قیام می کند. از این رو دوست داشت او به آن چه در آن کتاب هاست، عمل کند. (24)

امام فرمود: ((صحیح است.)) (25)

قرینه دیگر روایاتی است که به واسطه گری عبدالملک در رساندن مسائل مردم به امام و ارسال پاسخ ها اشاره دارد که گویای اعتماد امام به این شخصیت بزرگ است.

شاید بتوان از شواهد استفاده بیشتری کرد و گفت که او یکی از وکلای ایشان در شهر کوفه بوده که به مسائل فقهی - کلامی مردم پاسخ می گفته، جمعآوری وجوه شرعی نیز به دست با کفایت او انجام می پذیرفته است. یکی از نشانه های این ادعا، نامه مهم عبدالرحیم قصیر به امام صادق(ع) به خط عبدالملک و پاسخ آن توسط حضرت به دست

عبدالملك است. این نامه یکی از ذخایر ارزشمند شیعی است، چون در آن به مهم ترین عقاید کلامی آن عصر اشاره شده است.
 از برخی روایات استنباط می شود عبدالملك علاوه بر علاقه وافر به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) و دیگر ائمه هدی، عاشق امام مهدی(ع) فرجه بود و در انتظار ظهور حضرت به سر می برد. در گزارش ابوبکر حضرمی می خوانیم:
 عبدالملك بن اعین گفت: هنگامی که نزد ابوجعفر باقر(ع) بودم، یاد امام زمان افتادم. ایستادم و گریستم و عرض کردم: امیدوارم در حالی که توان دارم، ظهور حضرت را دریابم. (26)

علی بن سعید گوید: نزد امام صادق(ع) نشسته بودم. کنار حضرت، محمد بن عبدالله بن علی بود. در آن مجلس عبدالملك بن اعین و... بودند... امام رو به ما کرد و فرمود: بشارت باد شما را! آیا به این راضی نیستید که در روز قیامت به علی متمسك شده اید و علی به رسول خدا(ص) متمسك شده است؟(27)
 از روایت فوق مقام والای اهل مجلس از جمله عبدالملك به دست می آید.
 عبدالملك بن اعین و چهار برادر دیگرش یعنی زراره و حمران و بکیر و عبدالرحمان از یاران سرشناس و برگزیده حضرت باقر و امام صادق علیهماالسلام بودند. آنان برای فراگیری علوم اهل بیت رنج سفرهای طاقت فرسای آن عصر را بر خود هموار کردند و دائماً مسافت زیاد میان کوفه تا مدینه را طی می نمودند. حاصل این تلاش ها آن شد که هر يك از این پنج فرزانه، به مقام شامخی در دانش دست یافتند. در گزارشی از ((ربیعہ الرای)) آمده است که به امام صادق عرض کردم: آن چند برادر که از عراق به محضرتان می آیند و من بهتر از آنان و مهیتر برای فراگیری علوم در یاران شما ندیده ام، کیستند؟
 امام فرمود: ((آنان [فرزندان سرشناس اعین] اصحاب پدرم هستند)).(28)
 حسین بن موسی گوید: در سالی امام صادق(ع) با اصحاب خویش به مکه شرفیاب شد و از حال عبدالملك بن اعین پرسش نمود و فرمود: ((آیا او از دنیا رفت؟))
 عرض کردم: آری...
 امام فرمود: ((پس بیا با ما تا بر سر قبرش برویم و برای او دعا کنیم)).(29)
 از این خبر فهمیده می شود قبر عبدالملك در مکه است،(30) ولی طبق تصریح شیخ صدوق، قبر وی در مدینه است و امام صادق(ع) و اصحابش به زیارت او رفتند.(31)

عبدالملك در منظر اهل سنت

علما و بزرگان سنی درباره عبدالملك ابراز نظرهای گوناگون کرده اند. برخی چون ابوحاتم و ابن حبان و عجلی او را از شیعیان نیکو و صالح الحدیث و مورد اعتماد و صدوق دانسته اند. و جمعی چون ابن معین و سفیان بن عیینه (سفیان ثوری) او را فردی خبیث القول و بی ارزش عنوان نموده اند.(32)
 با دقت در عبارات مذمت کنندگان و ریشه یابی آن، می توان فهمید عبدالملك تنها به سبب شیعه بودن و دوستی با خاندان اهل بیت نکوهش شده است. برای همین بخاری در صحیح تنها يك حدیث از او نقل کرده است.(33)
 تنها نکته ای که از سوی شیعه در نکوهش عبدالملك عنوان شده، روایتی است از گفت وگویی او با امام صادق(ع) که گویند از جسارت و بی ادبی او حکایت می کند. در این روایت می خوانیم: ابوعبدالله (امام صادق) به عبدالملك بن اعین فرمود: ((چرا نام فرزندت را ضریس نهادی؟))
 عبدالملك گفت: چرا پدرتان شما را جعفر نام نهاد؟
 امام فرمود: ((جعفر نام نهری در بهشت است، اما ضریس نام شیطان است)).(34)
 شهید ثانی و شیخ حسن، فرزند او و مامقانی، روایت فوق را معتبر نمی دانند، زیرا در سند

آن ((علی بن عطیه)) وجود دارد. (35)
 بر فرض صحت سند، نمی توان به جسارت عبدالملک حکم کرد، زیرا شاید در حال شوخی با امام بوده است. (36)

گستره دانش

به تعبیر مامقانی عبدالملک بن اعین از ((خلص شیعه)) بود. او از یاران نزدیک امام باقر(ع) و امام صادق(ع) محسوب می شود و به تنهایی یا با برادرانش بارها برای دیدار ائمه به مدینه رفته و از محضر پرفیض شان بهره برده بود.

به طور طبیعی بایستی دستاوردهای علمی فراوانی از عبدالملک در منابع و جوامع روایی و تاریخی داشته باشیم، اما از وی روایات اندکی باقی مانده، علت آن مشخص نیست. اما به احتمال می توان گفت شاگردان مخالف او نظیر عبدالرحمان بن مهدی و ابن عیینه و سفیان ثوری روایات استاد را به دیگران منتقل نکرده، با آتش کینه و حسد سوزاندند. (37) احتمال دیگر آن است که چون عبدالملک کاتب و ملازم امامان بود، کم تر فرصت پیدا می کرد به تدریس و انتقال یافته هایش و نقل آن ها بپردازد. (38)

با توجه به آن که عبدالملک از شیعیان خالص ائمه(ع) بود، شاید بتوان استنباط کرد قسمت زیادی از یافته های وی مربوط به اسرار ولایت است و چون او کم تر کسی را شایسته درک و پذیرش آن ها می دید، از انتقال مطالب خویش خود داری می نمود. عامل احتمالی دیگر کوتاهی روایان بوده که گفت وگوهای او با امامان را ضبط نکرده اند و یا چون در نظرشان کم اهمیت بوده، توجهی به آن ننموده اند. علت دیگر که در مورد بیش تر روایان وجود داشته و موجب گشته از آنان احادیث کم تری داشته باشیم، جو سیاسی نامناسب آن عصر بوده است.

او در بخش نجوم هم تحقیقاتی داشت و احتمالا کتاب یا کتاب هایی تألیف کرده بود. برای همین شیخ عباس قمی از او به عنوان آگاهان علم نجوم یاد کرده است، (39) ولی چون به مقتضای علم خود عمل می نمود و این امر باعث شده بود در زندگیش اختلالاتی ایجاد گردد، دست به دامان امام صادق(ع) برد. خود در این باره گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: من گرفتار علم نجوم شده ام. وقتی می خواهم کاری انجام دهم، به طالع می نگرم اگر بد باشد، حاجتم را رها می سازم و اگر طالع را خوب ببینم، در پی انجام کارم برمیآیم. امام فرمود: ((حکم می کنی؟)) عبدالملک عرض کرد: آری. امام فرمود ((کتاب هایت را بسوزان)). (40)

اساتید

طبق سخن مامقانی، رجالی معروف سده چهاردهم هجری بیش تر روایات عبدالملک از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است. (41) بنابراین، شخصیت علمی وی به دست آن دو بزرگوار رقم زده شده بود. دیگر کسانی که عبدالملک از محضرشان بهره مند گشته و روایت نقل کرده، عبارتند از:

1. ابوبشیر. (42)
2. سلیمان بن خالد. (43) ابوریع هلالی، معروف به سلیمان بن خالد از قاریان و فقها و

- بزرگان عصر امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود و از جمله اصحاب جناب زیدبن علی(ع) در قیام وی در کوفه به شمار می‌آید. در این جنگ دست سلیمان توسط دشمن قطع گردید.(44)
3. ابو حرب بن ابوالاسود دثلی.(45)
 4. ابو عبدالرحمن سلمی.(46) ظاهرا وی عبدالله بن حبیب سلمی است که از یاران امام علی(ع) به شمار می‌آید و یکی از فرزندان تاریخ شیعه و شخصیت های قابل اعتماد بود. او 105 هجری در 90 سالگی از دنیا رفت.(47)
 5. شقیق بن سلمه اسدی (ابووائل)(48)
 6. عبدالله بن شدادبن هاد. وی از اصحاب بزرگ امیرالمومنین(ع) بود. امام صادق(ع) درباره کرامت امام حسین(ع) نسبت به شداد فرمود: ((هنگامی که شداد به تب شدیدی دچار شد، حسین بن علی به عیادتش رفت، به محض این که داخل منزلش شد، تب از شداد رخت بریست.)) (49) شداد به سال 81 یا 82 هجری از دنیا رفت.
 7. عبدالرحمن بن ادینه.(50)
 8. صالح بن میثم. ابو غالب زراری در یکی از گزارش های خود گوید: عبدالملک نخستین شخص از آل اعین بود که شیعه و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت شد. او به واسطه صالح بن میثم در این مسیر قدم برداشت.(51)

شاگردان و راویان

- شخصیت ها و کسانی که از محضر عبدالملک بهره مند شده و روایاتی از او نقل کردند، کم نیستند، ولی تاریخ همه آن ها را ثبت نکرده است. برخی عبارتند از:
1. برادر وی، (52) زراره. وی از فقهای طراز اول امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود. زراره از جمله مصادر و مراجع شناخت فقه شیعه است.(53)
 2. یونس بن عبدالرحمان.(54) ابومحمد یونس بن عبدالرحمن از بزرگان و فقهای به نام شیعه در عصر امام کاظم و امام رضا علیهما السلام بود. حضرت رضا(ع) اصحابش را در اخذ علم و فتوا بدو راهنمایی کرد. به علاوه وی افتخار داشت وکیل حضرت باشد. این شخصیت برجسته شیعی، آثار زیادی به رشته تحریر درآورد.(55)
 - برخی گویند: یونس از شاگردان عبدالملک نیست، زیرا عبدالملک در زمان امام صادق(ع) از دنیا رفت و یونس گرچه زمان حضرت را درک کرد، اما در سنی نبود که بتواند از آن امام یا دیگران روایت نقل کند.(56)
 3. ابن بکیر.(57) ظاهرا مقصود، عبدالله بن بکیر از ((اصحاب اجماع)) (58) است. عبدالله برادرزاده عبدالملک و از راویان بزرگ به شمار می‌آید ولی ((فطحی)) (59) مذهب (60) بود.
 4. عبدالله بن محمد حضرمی.(61) وی از اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود. (62)
 5. حریر.(63) ظاهرا وی حریربن عبدالله سجستانی است. وی از کوفه بود، لیکن به سبب مسافرت های تجاری که به سجستان (سیستان) نمود، به این نام مشهور شد. یونس بن عبدالرحمان گوید: حریر از امام صادق(ع) بیش از دو حدیث شنیده است.(64) شیخ طوسی درباره او گوید: حریر فردی مورد اطمینان بود. از جمله آثار او ((کتاب الصلاه)) است.(65) شیخ مفید گوید: حریر به سیستان کوچ کرد و در همان جا به دست خوارج به قتل رسید. در آن زمان غالب ساکنان آن ناحیه از خوارج بودند. وقتی حریر توسط یاران خویش اطلاع یافت خوارج سیستان، امیرالمومنین(ع) را ناسزا می گویند، آنان را مهدورالدم اعلام کرد. در پی آن، هر روز چند تن از خوارج توسط یاران حریر ترور شدند.(66)
 6. سیف بن عمیره. وی از یاران امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) و از روایت موثق بود، اما واقفی مذهب بود.
 7. مثنی بن ولید. مثنی از اصحاب حضرت صادق(ع) بود و کتابی روایی داشت.(67)
 8. عبیدبن زراره. وی از راویان امام صادق(ع) و شخصیتی ارجمند بود.(68)

9. حارث بن مغیره. وی از یاران امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) و شخصیتی عالی قدر بود و از آن دو بزرگوار و جناب زیدبن علی روایت دارد.(69)
10. جعفر بن مثنی. (70)
11. لیث بن بختری مرادی. او از فقها بود. امام صادق(ع) او را از ((اوتاد زمین)) و برپا کنندگان قسط و راستی و ((السابقون السابقون)) و حافظان دین دانسته است.(71)
12. حماد بن عثمان. ظاهرا مقصود، حماد بن عثمان ناب از اصحاب اجماع است. این عالم عظیم الشان از راویان حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا علیهما السلام بود. حماد و جعفر و حسین برادران وی همگی از علما و فضلا و برگزیدگان از اصحاب بودند. (72)
13. محمد بن اسحاق بن یسار.(73)
14. سفیان ثوری. وی از اصحاب و شاگردان امام صادق(ع) بود ولی به ولایت ائمه اعتقاد نداشت و در صف مخالفان آن بزرگواران بود. وی دارای مذهب خاصی بود، ولی از آن جا که حکومت وقت او را مورد پشتیبانی قرار نداد، مذهبش دوام چندانی نیافت و منقرض گردید. (74)
15. سفیان بن عیینه. گر چه ابن عیینه از شاگردان امام صادق(ع) بود، اما به ولایت ایشان و سایر امامان اعتقاد نداشت. از این رو امام او را در زمره کسانی بر شمرد که به مرگ جاهلی می میرند.(75)
- این عیینه دارای مذهب خاصی بود، ولی با خلیفه ملایم نبود. از همین رو پیروان کمی داشت و مذهبش تا قرن چهارم هجری بیش تر دوام نیاورد.(76)
16. عبدالملک بن ابی سلیمان. وی از فقها و بزرگان اهل سنت است.(77)
17. اسماعیل بن سمیع.(78)
18. عبدالرحمن بن مهدی. وی از حافظان بزرگ قرآن و فقهای مشهور و راویان معروف اهل تسنن است. شافعی در توصیفش گفته است: مانندای برای او سراغ ندارم. گویند وی 20/000 روایت از حفظ داشت.(79)
19. ابووائل.(80)

پی نوشت ها:

- پژوهشگر و دانش‌آموخته حوزه علمیه قم
1. ابی غالب الزراری، رساله ابی غالب الزراری و تکملتها لابی عبدالله الغضائری، تحقیق محمدرضا حسینی، (قم، مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه، بی تا) ص 114؛ مقدمه همان رساله، ص 41.
2. همان، ص 41 و 42.
3. همان.
4. همان، ص 128 و 129.
5. همان.
6. شیخ طوسی می فرماید: هنگامی که دو نفر عقد موالات امضا می کنند و یکی از آنان به دیگری می گوید: با تو پیمان می بندم که باریم کنی و تو را باری می کنم و از من دفاع کنی و از تو دفاع کنم، و جریمه جنایت را خاندانت عهده دار شوی و خاندان من نیز جریمه جنایت تو را بپذیرند و از من ارث ببری و از تو ارث ببرم، این عقد صحیح است. (رک: حاشیه ص 191 از تکمله رساله ابی غالب الزراری).
7. شیبانی نام قبیلۀ ای معروف در بکرین وائل است. عبدالکریم سمعانی، الانساب، تقدیم و تعلیق بارودی، چاپ اول، (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1408هـ) ج 3، ص 482.
8. محمدرضا حسینی جلالی، معجم الاعلام من آل ائمه العظام، (ملحق به رساله ابی غالب الزراری).
9. همان، ص 117.
10. الرساله ابی غالب الزراری، ص 129 و 130.
11. همان، ص 190 و 191.
12. همان، ص 138.
13. همان، ص 189.
14. همان.
15. همان، ص 139 و 189.
16. همان، ص 130.
17. شیخ محمدتقی تستری، قاموس الرجال، تحقیق موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، (قم، موسسه النشر الاسلامی، 1410 هـ) ج 2، ص 172.
18. تکمله رساله ابی غالب الزراری، ص 191 - 192.

19. رساله ابی غالب الزراری، ص 130 و 135.
20. شیخ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، (نجف اشرف، المطبعة المرتضویه، 1352هـ) ج 2، ص 228.
21. همان.
22. شاید اشاره به یکی از اثرات منفی فتوحات در عصر خلفا باشد.
23. محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی الملقب بالشیخ المفید، الاختصاص، تصحیح و تعلیق غفاری، (قم، مکتبه الزهراء (ع)، 1402هـ) ج 5 - 6؛ نقه الاسلام محمد کلینی، الکافی، تصحیح غفاری، چاپ سوم، (بیروت، دارصعب و دارالتعارف، 1401هـ) ج 8، ص 253.
24. ظاهراً یعنی امام علی (ع) نیازمندیهای حضرت حجت (ع) را به هنگام ظهورش در آن کتاب ها ابراز نموده است.
25. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، تصحیح ربانی شیرازی، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1388هـ) ج 26، ص 51.
26. همان، ج 52، ص 335.
27. همان، ص 40 - 41.
28. تنقیح المقال، ج 2، ص 228.
29. ملاعلی علیاری، بوجه الامال، تصحیح مسترحمی (تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، 1363) ج 5، ص 305. سند و متن این روایت به صورت های دیگری نیز گزارش شده است. شیخ طوسی در استبصار، تحقیق سیدحسن موسویخرسان، چاپ سوم (تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1390هـ) ج 1، ص 483 و تهذیب الاحکام، تحقیق سیدحسن موسویخرسان، چاپ دوم (بیروت، دارصعب و دارالتعارف، 1401هـ) ج 3، ص 202، خبر فوق را به عبدالله بن اعین مربوط دانسته است، ولی برخی گویند: چون وجود شخصی به نام مزبور ثابت نشده است، باید جریان فوق به عبدالملک بن اعین ارتباط داشته، و در آن دو کتاب، اشتباهی رخ داده شده باشد. قاموس الرجال، ج 6، ص 254 و ج 7، ص 11.
30. همان.
31. تنقیح المقال، ج 2، ص 228.
32. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول (بیروت، دارالفکر، 1404هـ) ج 6، ص 343؛ عبدالرحمن رازی، الجرح و التعذیب (بیروت، دار احیا التراث العربی، بی تا) ج 5، ص 343؛ محمد ذهبی، میزان الاعتدال، تحقیق بجاوی (بیروت، دارالفکر، بی تا) ج 2، ص 651 و 652.
33. ابن حجر عسقلانی، هدی الساری، مقدمه فتح الباری، طبع مصححه علی عده نسخ و عن النسخه التي حقق اصولها و اجازها عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، (بیروت، دارالفکر، 1411هـ) ص 592.
34. علامه محمد اردبیلی، جامع الرواه (قم، مکتبه المصطفوی، بی تا) ج 1، ص 519؛ تنقیح المقال، ج 2، ص 228.
35. همان.
36. شیخ عباس قمی، تحفه الاحیاب، تحقیق حسینی، چاپ اول، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370) ص 292.
37. وی شاگردان موافق و شیععی هم داشته است.
38. اگر بپذیریم عبدالملک از ملازمان همیشگی حضرت صادق (ع) بوده، نمی توانیم قبول کنیم او وکیل حضرت محسوب می شده، زیرا وکلا در منطقه ای به دور از محل سکونت امام به رتق و فتق امور شرعی و مسائل مذهبی مردم می پرداختند.
39. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، چاپ اول (قم، نشر اسوه، 1414هـ) ج 6، ص 89.
40. ابوجعفر صدوق، من لایحضره الفقیه، تحقیق موسویخرسان (بیروت، دار صعب و دارالتعارف، 1401هـ) ج 2، ص 175. (با تصرف).
41. تنقیح المقال، ج 2، ص 228.
42. همان؛ جامع الرواه، ج 2، ص 369.
43. تنقیح المقال، ج 2، ص 228.
44. جامع الرواه، ج 1، ص 378.
45. فضل بن شاذان، الايضاح، تحقیق ارموی، چاپ اول (تهران، دانشگاه تهران، 1351ش) ص 367.
46. تهذیب التهذیب، ج 6، ص 343.
47. جامع الرواه، ج 2، ص 397.
48. هدی الساری، مقدمه فتح الباری، ص 592؛ جمال الدین یوسف مزی، تهذیب الکمال، تحقیق احمدعلی عبید و حسن احمد آغا (بیروت، دارالفکر، 1414هـ) ج 8، ص 388.
49. تهذیب التهذیب، ج 5، ص 222 و ج 6، ص 343؛ جامع الرواه، ج 1، ص 492.
50. تهذیب التهذیب، ج 6، ص 343.
51. رساله ابی غالب الزراری، ص 135. طبق گزارش دیگر ابوغالب، نخستین شیعه آل اعین، خواهر عبدالملک به نام ام اسود بود.
52. تنقیح المقال، ج 2، ص 228؛ بحار الانوار، ج 26، ص 51 و ج 76، ص 27.
53. آیت الله جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، چاپ دوم (قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، 1408هـ) ص 174 و 196.
54. آیت الله سیدابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، چاپ چهارم (قم، مرکز نشر آثار شیعه، 1410هـ) ج 20، ص 330.
55. سیدحسن صدر، تاسیس الشیعه، (بی جا، مرکز النشر و الطباعه العراقیه المحدوده، بی تا) ص 318 و 328؛ ابوالعباس النجاشی، رجال نجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، چاپ چهارم (قم، موسسه النشر الاسلامی، 1413هـ) ص 446 - 448.
56. قاموس الرجال، ج 7، ص 11.
57. بحار الانوار، ج 14، ص 488.
58. عنوان ((اصحاب اجماع)) بر هجده تن از فقهای عصر امام باقر تا امام رضا (علیهم السلام) اطلاق می گردد. آنان گروهی بودند که علما به جلالت قدر و عظمت شان گواهی داده و کلیه روایات شان را قبول کرده اند. ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص 174 به بعد.
59. فطحه کسانی بودند که امامت حضرت کاظم (ع) را قبول نداشتند و بزرگ ترین فرزند امام صادق (ع) یعنی عبدالله را پیشوای مسلمانان می دانستند. ر.ک: جامع الرواه، ج 2، ص 546.
60. همان، ج 1، ص 473.
61. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، تحقیق موسسه الامام المهدي (ع)، چاپ اول (قم، موسسه الامام المهدي (ع)، 1409هـ) ج 2، ص 839.
62. جامع الرواه، ج 1، ص 501؛ ج 2، ص 369.
63. معجم رجال الحدیث، ج 11، ص 409.
64. ر.ک: رجال النجاشی، ص 144 - 145.
65. شیخ ابوجعفر محمد طوسی، الفهرست، تصحیح و تعلیق محمدصادق آل بحر العلوم (بی جا، المکتبه المرتضویه و مطبعته، بی تا) ص 62 - 63.
66. جامع الرواه، ج 1، ص 395.
67. معجم رجال الحدیث؛ ج 11، ص 409؛ جامع الرواه، ج 2، ص 40.
68. معجم رجال الحدیث؛ ج 11، ص 410؛ بحار الانوار، ج 76، ص 26؛ جامع الرواه؛ ج 1، ص 524.
69. الاختصاص، ص 5 و 6؛ الکافی، ج 8، ص 253؛ جامع الرواه، ج 1، ص 175.
70. الاستبصار، ج 4، ص 152.
71. تنقیح المقال، ج 2، ص 228؛ جامع الرواه، ج 1، ص 519 و ج 2، ص 34 و 35.
72. بحار الانوار، ج 44، ص 236؛ جامع الرواه، ج 1، ص 271.
73. تهذیب الکمال، ج 8، ص 388.

74. تهذيب التهذيب، ج 6، ص 343 الجرح و التعديل، ج 5، ص 343 اسدحيدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، چاپ دوم (بيروت، دارالكتاب العربى، 1390هـ) ج 1، ص 154 - 155.
75. تهذيب التهذيب، ج 6، ص 343 جامع الرواه، ج 1، ص 367.
76. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج 1، ص 155.
77. تهذيب التهذيب، ج 6، ص 343 محمد ذهبى، سير اعلام النبلا، تحقيق حسين اسد، چاپ هفتم (بيروت، موسسه الرساله، 1410هـ) ج 6، ص 107 - 109.
78. اسماعيل بخارى، التاريخ الكبير (بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا) ج 5، ص 405.
79. هدى السارى، مقدمه فتح البارى، ص 592. درباره او و مقام علمى و عباديش ر. ك: سير اعلام النبلا، تحقيق على ابوزيد، ج 7، ص 192 به بعد.
80. الجرح و التعديل، ج 5، ص 343.

منابع:

- ابن شاذان، فضل، الايضاح، تحقيق ارموى، چاپ اول (تهران، دانشگاه تهران، 1351ش).
- اردبیلی، محمد، جامع الرواه (قم، مکتبه المصطفوی، بى تا).
- بخارى، اسماعيل، التاريخ الكبير (بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا).
- تسترى، محمدتقى، قاموس الرجال، تحقيق موسسه النشر الاسلامى، چاپ دوم (قم، موسسه النشر الاسلامى، 1410هـ).
- حيدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، چاپ دوم (بيروت، دارالكتاب العربى، 1390هـ).
- خويى، سيدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، چاپ چهارم (قم، مركز نشر آثار شيعه، 1410هـ).
- ذهبى، محمد، سير اعلام النبلا، تحقيق حسين اسد، ج 6 و تحقيق ابوزيد، ج 7، چاپ هفتم (بيروت، موسسه الرساله، 1410هـ).
- _____، ميزان الاعتدال، تحقيق بجاوى (بيروت، دارالفكر، بى تا).
- رازى، عبدالرحمن، الجرح و التعديل (بيروت، دار احيا التراث العربى، بى تا).
- راوندی، قطب الدين، الخرائج و الجرائح، تحقيق موسسه الامام المهدي (ع)، چاپ اول (قم، موسسه الامام المهدي (ع)، 1409هـ).
- زرارى، ابى غالب، رساله ابى غالب الزرارى و تكملتها لابى عبدالله الغضائرى، تحقيق محمدرضا حسيني، (قم، مركز البحوث و التحقيقات الاسلاميه، بى تا).
- سبحانى، جعفر، كليات فى علم الرجال، چاپ دوم (قم، مركز مديريت حوزه علميه قم، 1408هـ).
- سمعانى، عبدالكريم، الانساب، تقديم و تعليق بارودى، چاپ اول (بيروت، دارالكتب العلميه، 1408هـ).
- صدر، سيدحسن، تأسيس الشيعه (بى جا، مركزالنشر و الطباعه العراقيه المحدوده، بى تا).
- صدوق، ابوجعفر، من لايحضره الفقيه، تحقيق موسوى خراسان (بيروت، دارصعب و دارالتعارف، 1401هـ).
- طوسى، محمد، الاستبصار، تحقيق موسويخرسان، چاپ سوم (تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1390هـ).
- _____، الفهرست، تصحيح و تعليق محمداصديق آل بحر العلوم (بى جا، المکتبه المرتضويه و مطبعتها، بى تا).
- _____، تهذيب الاحكام، تحقيق موسويخرسان، چاپ دوم (بيروت، دارصعب و دارالتعارف، 1401هـ).
- عسقلانى، ابن حجر، تهذيب التهذيب، چاپ اول (بيروت، دارالفكر، 1404هـ).

- _____ , هدی الساری, طبع مصححه علی عده نسخ و عن النسخه التي حقق اصولها و اجازها عبدالعزيز بن عبدالله بن باز (بيروت, دارالفكر, 1411هـ).
- علياری, ملاعلی, بهجه الامال, تصحيح مسترحمی (تهران, بنياد فرهنگ اسلامي كوشانپور, 1363).
- قمی, عباس, تحفه الاحباب, تحقيق حسینی, چاپ اول (تهران, دارالكتب الاسلاميه, 1370).
- _____ , سفينه البحار, چاپ اول (قم, نشر اسوه, 1414هـ).
- کلینی, محمد, الكافي, تصحيح غفاری, چاپ سوم (بيروت, دارصعب و دارالتعارف, 1401هـ).
- مامقانی, عبدالله, تنقيح المقال (نجف اشرف, المطبعه المرتضويه, 1352هـ).
- مجلسی, محمدباقر, بحارالانوار, تصحيح ربانی شیرازی (تهران, دارالكتب الاسلاميه, 1388هـ).
- مزی, يوسف, تهذيب الكمال, تحقيق احمدعلی عبید و حسن احمد آغا (بيروت, دارالفكر, 1414هـ).
- مفید, محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی, الاختصاص, تصحيح و تعليق غفاری (قم, افست مكتبه الزهرای(ع), 1402هـ).
- نجاشی, ابوالعباس, رجال النجاشی, تحقيق سيدموسى شبيري زنجانى, چاپ چهارم (قم, موسسه النشر الاسلامی, 1413هـ).